



روزنامه جوان | شماره ۴۹۲۹

## پیش‌خوانی

**نسبت ارتش با انقلاب اسلامی در آئینهٔ یک اثر پژوهشی نوانتشار**

**شهادی بر یک قرن و نیم محنت**

■ **سیدحکمت قاضی میرسعید**

هدف از انجام پژوهشی که از آن سخن می‌رود، بررسی اجمالی روند شکل‌گیری ارتش از بدو پیدایش تاکنون و مقایسه دو رویداد مهم تاریخی نیروی هوایی است. نخست واقعه پادگان قلعه‌مرغی تهران در ۸ شهریور

سال ۱۳۲۰ است که در جریان آن جمعی از کارکنان، خلبانان و جوانان پرشور و انقلابی نیروی هوایی برخلاف خواست و اراده حاکمان وقت و تدبیر فرماندهان ارتش که در مقابل یورش بی‌امان بیگانگان تن به سازش و تسلیم داده بودند، تصمیم به ایستادگی و مقاومت در برابر کشورهای متجاوز و بیگانه گرفتند. دوم حماسه گسستن بخش عظیمی از کارکنان، همافران و سایر افسران نیروی هوایی از حکومت شاه و پیوستن آنان به نهضت مردمی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷

به فاصله ۳۷ سال از یکدیگر است. هر دو جریان با یک هدف یعنی رهایی از وابستگی و سلطه بیگانه، آزادی، استقلال و مردم‌سالاری تعقیب می‌شد. در ماجرای اول نعتیها دولت و حاکم وقت هیچ‌گونه واکنش و عکس‌العملی که خود وجه شاخصه هر ذی‌روح مستقل، زنده و پویا در مواجهه و مقابله با تهاجم همه‌جانبه نیروهای بیگانه است، از خود نشان نداد، بلکه بر عکس باعث سر کوب خیزش کارکنانی شد که به‌طور خودجوش در مواجهه با این متجاوزان قد حمت و مردانگی برافراشته بودند و حاکمان وقت در تقابل با این خیزش از هر بیگانه‌ای بیگانه تر عمل کردند.

در فصل آغازین اثر مورد‌مرغی، در آمد کوتاهی از پیدایش ارتش و مسیر تکوین نیروی هوایی، نقش و اهمیت آن در جنگ و نبردهای هوایی، شهریور سال ۱۳۲۰، آغاز ترازوی بیگانه به ایران و واقعه ۸شهریور سال ۱۳۲۰ قلعه‌مرغی تهران همان‌گونه که در دستور پیشین گذشت به اجمال آمده است. در این مقال در حد بضاعت و توان تلاش شده‌است



۱۹ بهمن ۵۷ نمای از بیعت همافران با امام خمینی

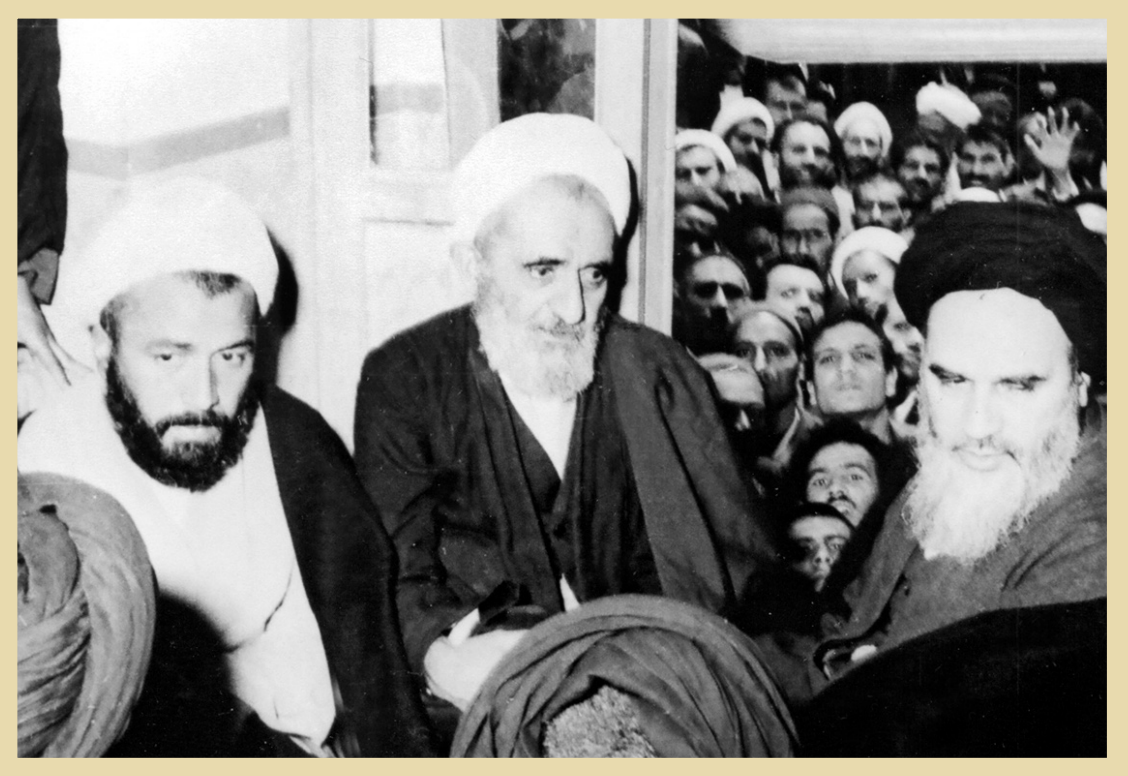
تا با بهره‌گیری از مستندات موجود و انجام تحقیقات میدانی و مکتوب مصاحبه با پیشکسوتان و کارکنان بازننشسته ارتش، افراد انقلابی، شاهدان عینی درگیر در واقعه و بهره‌گیری از گزارش‌های رسمی تحرکات کارکنان یگان‌ها، نقش خصوصی باافسران قدیمی و تنها بازمانده از وقایع جنگ جهانی دوم-ستوان خلبان ابراهیم شوشتری که در حین تألیف این کتاب دار فانی را وداع گفت -شرح کامل ماجرا برای خوانندگان بازگو شود.

در فصل‌های تبلیغات و عوامل فشار در ارتش و زیربنای فکری و عقیدتی و الگوهای رفتاری کارکنان و ساختار ارتش در بُعد نیروی انسانی و نقش رهبری انقلاب در پدیداری افکار نظامیان ارتش که در نهایت منجر به پذیرش همه‌جانبه انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ شد، تجزیه و تحلیل شده‌است. در فصل سوم عواملی که باعث بروز نا رضایتی‌ها در نیروهای مسلح شد و نقش کارکنان ارتش، به‌ویژه نیروی هوایی در روند پیروزی انقلاب اسلامی به همراه استاد، مدارک و تصاویر آن، با تقسیم‌بندی موضوعی برای نخستین بار بیان شده‌است. در این فصل نقش رهبری در روند پیروزی انقلاب و بازتاب مبارزات کارکنان ارتش علیه رژیم شاه با استفاده از برخی مطالب مندرج در رسانه‌های خاص خبری و جراید داخلی و خارجی که به بررسی وقایع و رویدادهای انقلاب ایران پرداخته‌اند، به دلیل روشن تر شدن قضایا بررسی و کنکاش شده است.

و در فصل پایانی کتاب گلچینی از بیانات بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری در دیدارهای سالانه کارکنان نیروی هوایی به مناسبت یوم‌الله ۱۹ بهمن در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ بر آن دسته از پژوهشگران علاقه‌مند به برداشت‌هایی با موضوع ۱۹ بهمن، با ذکر تاریخ برای دسترسی سریع و آسان در باره این رویداد به عنوان حسن ختام این اثر آمده‌است. نگارنده در این تحقیق به سراغ تنی چند از فعالان سیاسی نیروی هوایی که نقش مؤثری در پیروزی انقلاب داشته‌اند، رفته است. آنانی که تصمیم‌سازی‌شان در برهه‌ای از زمان در روند پیروزی تأثیر به‌سزایی داشت. هر چند خود نخواستند نامشان فاش شود و اگر لب به سخن گشودند پیش از آنکه از خود بگویند از تلاش و یاری مردم انقلابی و همکاری هم‌زمان اینار گوشان گفتند و هر چند از این گمنامان در طول سالیان گذشته کمتر سخنی به میان رفت که خود هیچ ادعایی نداشته‌اند و ندارند. مؤلف این اثر بنا به رسالت مطبوعاتی و رسانه‌ای خود با کسب اجازه از آنان برای نخستین بار اقدام به معرفی آنها کرده است.

## تاریخ

کفتو گوگو۸۸۴۸۸۴۸



**گذری بر رویدادهای دهه آغازینِ محرم ۱۳۴۲ در شهر مشهد**

# آن عاشورای شهر شهادت

■ **احمد رضا صدری**

**بازگویی تاریخچه نهضت اسلامی در استان‌ها و شهرهای گوناگون ایران، از اوّلوی‌های گروه تاریخ جوان به شمار می‌رود. اینک در روزهای آغازین محرم الحرام، به ۵۳ سال قبل بازگشته و روایت اوج‌گیری نهضت اسلامی را در شهر شهادت جست‌هایم. آنچه پیش رو دار ی، بازخوانی مختصر رویدادهای نهضت در شهر مشهد در آستانه محرم سال ۱۳۴۲ است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان انقلاب و نیز عموّم علاقه‌مندان را مفیّد و مقبول افتد.**

■ ■ ■

در گستره تاریخ معاصر ایران، باید شهر مقدس مشهد را از شهرهای مؤثر و سیاسی قلمداد کرد. پیش از آغاز نهضت امام خمینی و در دوران نهضت ملی ایران، می‌توان مشهد را از شهرهای حامی این نهضت ضد استعماری قلمداد کرد. این پیشینه سیاسی و وجود عالمان معترض به سیاست‌های ضددینی رژیم شاه در حوزه علمیه پر سابقه این شهر را می‌توان از عواملی دانست که فضای این شهر را به حمایت از نهضت اسلامی ایران سوق داد.

■ **ایران و خراسان در آستانه محرم تاریخ‌ساز**
با آغاز محرم سال ۱۳۴۲ و انتشار سخنان امام خمینی رهبر نهضت اسلامی در جهلم فیضیه و اعلامیه ایشان به مناسبت فرارسیدن محرم، ضرباهنگ نهضت در همه بخش‌های کشور تندتر شد. شاه در روز اول محرم سال ۱۳۸۳ برابر با ۳ خرداد سال ۱۳۴۲، با سخنرانی خود نسبت به اعلامیه امام واکنش نشان داد. با این حال پیام اول محرم امام در مشتمل بر افشای ماهیت رژیم، تبیین سیاست همکاری‌های ویژه امریکا و اسرائیل و تشویق مردم به حضور فعالانه در صحنه‌های مبارزه و نه‌پس‌اندیدن از رژیم بود. سید شد اهل منبر و دسته‌های مذهبی بسیار افشاگرانه عمل کنند و جنایت‌های محمدرضا پهلوی و فریبکاری او را با مردم در میان بگذارند. این در حالی بود که ساواک و شهرنمایی نیز قادر به کنترل اوضاع نبودند. جوان‌ها با شور و احساس در جلسات دینی شرکت می‌کردند و مداح‌ها اشعار انقلابی می‌خواندند. آنها خود را در برابر یزید زمان احساس می‌کردند که با فریبکاری‌های خود می‌کوشید میهن اسلامی را به اجانب بسپارد. مردم اعلامیه‌های امام و آیات عظام دیگر را دست به دست می‌گرداندند و این اعلامیه‌ها هر جا نصب می‌شد، به‌طور دسته‌جمعی به خواندن آن می‌پرداختند و مأموران نیز آنها را دستگیر می‌کردند. هر روز تعدادی را در حال خواندن یا چسباندن اعلامیه بازداشت می‌کردند و اخبار محبوسان به علما انتقال می‌یافت.

■ **قتل غلامعلی شباهنگ از سوی مردم معترض**
روز دهم خرداد، جمعیت زیادی جلوی مسجد گوهر شاد جمع شده بودند و اعلامیه امام خمینی را می‌خواندند. یکی از مأموران به نام غلامعلی شباهنگ اعلامیه را پاره و فرسردی از میان مردم به نام محمد

حسنی، کباب فروش به او حمله کرد و پاسپان را با کارد از پا درآورد و عده‌ای از مأموران، از جمله سر پاسپان نسوم، علی‌حامد غفاریان نیز در اثر ضربات کارد وی مجروح شدند.<sup>[۱]</sup> در یازدهم خرداد چنانه شباهنگ با حضور استاندار و جمعی از مقامات استان تبعیع شد. رژیم سعی کرد حسنی را عامل علمای مبارز مشهد قلمداد کند، ولی موفق نشد و حسنی به حبس ابد محکوم شد.<sup>[۲]</sup> آیات عظام میلانی و قمی طی اعلامیه‌های مستقلی که در روزنامه‌های خراسان به چاپ رسیدند، ضمن اشاره به واقعه شب ۱۱ خرداد و هشتم محرم، از مردم خواستند آرامش خود را حفظ کنند. در بخش‌ی از اطلاعیه آیت‌الله میلانی آمده است: «واقعه شب هشتم محرم موجب تأثر جامعه روحانیت است. این واقه به دست کسی روی داده که به‌طور قطع از وظایف و تکالیف مذهبی اطلاع نداشته است.»<sup>[۳]</sup>

در این اعلامیه رفتار عناصر وابسته به رژیم به لحاظ خشنه‌دار کردن وجدان دینی مردم تریق نشده بود و به همین دلیل از یک سو مورد اعتراض برخی از روشنفکران مذهبی و مبارز شهر قرار گرفت و از سوی دیگر و به نقل از سیدهادی خامنه‌ای – که در آن روزها در زندان مشهد به سر می‌برد و با حسنی در زندان آشنا شده بود– وقتی حسنی فهمید آیات عظام قمی و میلانی از عمل ایشان اعلان برائت کرده‌اند، بسیار سختی کشید. او حتی این امر را سخت‌تر از شکنجه‌هایی تلقی کرد که در زندان به او داده بودند. او ماه‌ها از خانواده‌اش بی‌خبر ماند و خانمش زندگی خود و فرزندان‌ش را از راه رختشویی تأمین می‌کرد.<sup>[۴]</sup> حسنی تا روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در زندان بود و در سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد.

■ **سیاست روحانیت خراسان در محرم سال ۴۲**
سیاستی که روحانیت خراسان دنبال می‌کردند این بود که از یک سو مردم را از کارهای فردی و تندروری بازدارند و مانع تشنج شوند و از سوی دیگر از تحریک نیروهای نظامی و انتظامی علیه مردم ممانعت کنند. این بود که آیت‌الله حاج‌آقا حسن طباطبایی قمی به عنوان سخنگوی روحانیت مبارز خراسان در سخنرانی روز ۱۲ خرداد خطاب به نیروهای مسلح گفت: «ی افسران شریف و سربازان و نیروهای لشکری و کشوری که پشتیبان دین هستید، اگر دستور می‌دهد شما داده شد، کسی را بشکند اجرا نکنید.» وی همچنین خطاب به مردم گفت: «مردم از چسباندن اعلامیه علما به دیوار و انتشار آن در شهر نترسید. بگذارید شما را به زندان ببرند.»

تلاش‌های انقلابی علما و مردم مبارز خراسان در روزهای تاسوعا و عاشورا به اوج خود رسید. دسته‌های مختلف مردم از شهرستان‌های خراسان برای حمایت از نهضت امام خمینی به مشهد آمدند. آنها با حضور در بیوت علما پشتیبانی خود را از حرکت اسلامی اعلام کردند و رهبران روحانی نهضت در مشهد به مردم توصیه کردند که در برابر اعمال وحشیانه

سکوت نکنند و با علنی کردن اعتراضات خود، مانع تداوم سیاست‌های حکومت در زمینه دین‌زدایی و بیگانه‌گرایی شوند. آیت‌الله محمدعلی گرمی درباره مواضع وسخرنایی‌های آیت‌الله قمی در آن دوران، در خاطرات خود نوشته‌است: «وی در جریان ۱۵ خرداد بسیار فعال بود و سخنرانی‌های آتشین می‌کرد. یک بار در صحبت گفته بود: شاه یا کافر است یا مسلمان. اگر کافر است برود و اگر مسلمان است با منجهد است. یا مقلد، منجهد که نیست، پس مقلد است. اگر مقلد است یا پاید از من تقلید کند یا یکی دیگری را مرجع، اما این کارهایی که می‌کند هیچ مرجعی نمی‌کند، پس کافر است.»<sup>[۵]</sup>

■ **شهید حاج‌مهدی عراقی در مشهد**

در این شرایط فشار و مبارزه مهم‌ترین ویژگی روحانیت مبارز یک‌دستی آنها بود. میان قم و مشهد ارتباطی نامرئی برقرار شده بود. حاج‌مهدی عراقی، یکی از سران هیئت‌های مؤتلفه اسلامی که مورد اعتماد امام بود از سوی ایشان مأموریت یافت اعلامیه ۱۵ خرداد را که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بود یا خود به مشهد ببرد و آن را به امضای آیت‌الله میلانی و آیت‌الله قمی برساند. امام توصیه کرده بودند اگر آیت‌الله میلانی اعلامیه را امضا کرد، آن را برای امضا در اختیار حاج‌آقا حسن نیز قرار دهد تا امضا کند و اگر امضا نکرد بر برگرداند تا سوی طرفداران نهضت کم‌لجان کند. آن دو عالم اعلامیه را امضا کردند و اعلامیه مزبور انتشار یافت.<sup>[۶]</sup> روز ۱۴ خرداد اوضاع به آرامی گذشت. برنامه توزیع اعلامیه و چسباندن آن به دیوارهای مسجد گوهر شاد از سوی طرفداران نهضت کم‌لجان ادامه داشت و توزیع کنندگان بیشتر طلبه‌های جوان بودند و با بیت آیت‌الله قمی ارتباط داشتند.<sup>[۷]</sup> آن روز بر اساس گزارش ساواک بیش از ۱۵۰ نفر از افراد مبارز دستگیر شدند.<sup>[۸]</sup> استاندار عزیزی نیز مژورانه به مساجد متخفیر رفت و در مراسم سوگوری شرکت می‌جست.<sup>[۹]</sup>

■ **سخنرانی تاریخی امام در فیضیه و دور جدید اقدامات اعتراضی**

سخنرانی تاریخی امام خمینی در عصر عاشورا و فعالیت سیاسی روحانیون انقلابی سبب شد سران رژیم پس از یک جلسه طولانی و پلفشاری علم تصمیم بگیرند امام و تعدادی از روحانیون مبارز را در سطح کشور بازداشت و محاکمه کنند. به همین منظور در ۱۲ محرم سال ۱۳۸۳، مادل ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ وارد عمل شدند و ساعت چهار صبح روز ۱۲ محرم نیروهای امنیتی و انتظامی پس از محاصره منزل امام ایشان را دستگیر و به تهران منتقل و به دنبال ایشان شخصیت‌های برجسته دیگر را در شهرهای مختلف کشور بازداشت کردند. سرلشکر پاکروان در روز ۱۵ خرداد در مصاحبه مطبوعاتی خود به بازداشت امام و آیت‌الله قمی اشاره کرد و دو روز بعد اسدالله علم در مصاحبه مطبوعاتی خود به خبرنگاران خارجی گفت: «پانزده نفر از بزرگ‌ترین پیشوایان مذهبی به‌زودی

شکل‌های آیت‌الله‌ها را به‌عنوان نماد مبارزه با رژیم می‌بینند.»<sup>[۱۰]</sup>



قاضی آقا بی‌کی از جمعیت شهر مقدس مشهد در محرم ۱۳۴۲



در گستره تاریخ معاصر ایران، باید شهر مقدس مشهد را از شهرهای مؤثر و سیاسی قلمداد کرد. پیش از آغاز نهضت اسام خمینی و در دوران نهضت ملی ایران، می‌توان مشهد را از شهرهای حامی این نهضت ضد استعماری قلمداد کرد. این پیشینه سیاسی و وجود عالمان معترض به سیاست‌های ضددینی رژیم شاه در حوزه علمیه پر سابقه این شهر را می‌توان از عواملی دانست که فضای این شهر را به حمایت از نهضت اسلامی ایران سوق داد

تسلیم محکمه نظامی خواهند شد و محکمه ممکن است به معنی مجازات اعدام باشد.» شاه نیز در همدان به زعامت روحانیت به شدت انتقاد کرد و گفت: «این اقدامات و تمام تلاش‌ها نمی‌توانند یک میلی‌متر از سیر ترقی بکاهد و انقلاب مارا نکند سازد.» در این روز خیابان‌های مشهد پر از سرباز و تانک بود و چنین به نظر می‌رسید بیگانگی کشور را به تصرف خود درآورده است. ژاندارها با اسب

به مردم کوچه و بازار حمله می‌کردند و هیئت‌های مذهبی لب فرو بسته بودند و هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دادند. شب ۱۵ خرداد ساعت ۲۰، حدود ۲۰ هزار نفر در منزل آیت‌الله قمی گرد آمدند و فردای آن هشت کامیون حامل سرباز برای هشت کلانتری و یک گردان برای اطراف فکحه حرم حضرت رضاع) اعزام شدند و از آنها خواسته شده بود اگر نیاز به تقویت نیرو بود از سرپرست شهرنمایی‌های خراسان سرهنگ افتخار تماس بگیرند.

■ **چند و چون یک دستگیری در شهر مشهد**

روز ۱۵ خرداد ساعت هشت صبح مجلس سوگواری در منزل آیت‌الله قمی شروع شد و آیت‌الله قمی ساعت ۹ صبح به مجلس آمدند. نیم ساعت بعد آقای طباطبایی به منبر رفت و بحث خود را به مسائل روز کشاند و گفت: «سیاسیون در قوانین غشش می‌کنند. آنها زار عین بی‌سواد

پراکندن آنها مبادرت ورزیدند. در بازار به روی مردم شلیک کردند و عده‌ای مجروح شدند. مأموران آیت‌الله قمسی را داخل آمبولانس ارتش شده است: «در این روز از مردم خواسته شد بدون اینکه آسیبی به کسی وارد شود آیت‌الله قمی توقیف و به تهران اعزام شود.»<sup>[۱۱]</sup> مطبوعات محلی برای انحراف اذهان اخبار کشورهای همسایه، به‌خصوص عراق را بسزرگ جلوه می‌دادند. برخی نیز تحلیل رسانه‌های غربی را دربارسه نهضت ۱۵ خرداد منعکس می‌کردند، مبنی بر اینکه آشوب‌های اخیر به رهبری روحانیون ایران بوده است. آنها می‌خواستند مراکز رادیو و تلویزیون و حتی مغازه‌هایی که این وسایل را می‌فروشدی منهدم کنند. آنها از خارج پول‌های هنگفتی

گرفته‌اند در منبر بیروند و مردم را بفریبند که اصلاحات ارضی و هدف انتخابات مخالف شرع است و بگویند رادیو، برق، تلفن و تلگراف یا مدارس دخترانه و بی‌حجاب آمدن زنان حرام و برخلاف شرع است و این اقدامات همه افسار مردم را علیه آنها شورانده است.

■ **پاسخ آیت‌الله میلانی به فرستادگان رژیم شاه**

با این همه و به‌رغم وجود فضای اختناق و سانسور، واقعه‌ای که در ۱۵ خرداد در ایران و استان خراسان روی داد، چیزی نبود که افکار عمومی وطبعاً رژیم بتواند به‌طور کامل خود را نسبت به آن بی‌تفاوت نگه دارد. در چنین شرایطی، ساواک تصمیم گرفت با گسیل داخستن هیئتی برای دیدار با آیت‌الله میلانی، بکوشد که تا حدی مواضع ایشان را تعدیل و طبعاً زمینه‌های نفرت و مقاومت در مشهد را کاهش دهد. شب ۱۳ محرم معادل ۱۶ خرداد تمامی شهر مشهد در سکوت و تاریکی فرورفته بود. منزل آیت‌الله میلانی واقع در کوچه آقازاده که پیش از آن علاوه بر میرزا محمد آقازاده،

شیخ مرتضی آشتیانی نیز در آن سکونت داشتند و در کوچه بعدی آن منزل آیت‌الله حاج‌آقا حسن قمی واقع بود، به محاصره در آمده بود. تلفن منزل آیت‌الله میلانی قطع شده بود و جلوی منزل‌اش نیز تعدادی مأمور کشیک می‌داند و از آمد و شد مردم جلوگیری می‌کردند. دو نفر به نمایندگی استاندار و

رئیس‌مجلس محلی آیت‌الله میلانی



رسیدن محمد علی قاضی طباطبایی

شیخ حسن قمی



**سیاستی که روحانیت خراسان دنبال می‌کردند این بود که از یک سو مردم را از کارهای فردی و تندروری بازدارند و مانع تشنج شوند و از سوسی دیگر از تحریک نیروهای نظامی و انتظامی علیه مردم ممانعت کنند. این بود که آیت‌الله حاج‌آقا حسن طباطبایی قمی در سخنرانی روز ۱۲ خرداد خطاب به نیروهای مسلح گفت: «ای افسران شریف و سربازان و نیروهای لشکری و کشوری که پشتیبان دین هستید، اگر دستوری به شما داده شد، کسی را بشکند اجرا نکنید.»**

نیابت تولیت وقت، تیمسار عزیزی به منزل آیت‌الله میلانی آمدند که یکی از آنها شمس قنات آبادی بود. برحسب آنچه بعدها از این دیدار منتشر شد، آیت‌الله میلانی در این جلسه فرمودند: «مهر خود را کرده و در این مدت شاهد تحولات زیادی بوده‌ام. انقراض قاجار را دیدام. از وضع مشروطیت مطلع هستم. تغییر رژیم عثمانی به حکومت هاشمی را شاهد بودام. وضعی که شما در پیش گرفته‌اید برای خودتان نگرانی دارد.» بدین ترتیب ساواک از فرستادن این هیئت و مذاکره با آیت‌الله میلانی طرفی نبست و در پی آن، فضای ناشی از کشتار و سسرکوب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تا مدت‌ها در شهر مشهد و در کل استان خراسان پایدار بود.

■ **پی‌نوشت‌ها در سروسر تاریخ جوان موجوداست.**